

کتاب‌سازی کتاب‌های لاتین

دکتر ابوالفضل خوش‌منش

سخنران اول - دکتر شریعتی

ما این نشست را از سوی گروه دین و فرهنگ سامان داده‌ایم و احساس کردیم که موضوعی است که به درد جامعه امروزی ما می‌خورد و به ارتقا فرهنگی کشور کمک می‌کند.

ما از آقای دکتر خوش‌منش به لحاظ تجربیات و مسافرت‌هایی که به قاره‌های مختلف جهان داشته‌اند و اندوخته‌هایی که در این سفرها کسب کرده‌اند. همچنین به دلیل آشنایی با کتاب‌های مختلف به ویژه کتاب‌های فرانسه و انگلیسی زبان، در خواست کردیم که به بحث سامان دهند.

همچنین سعی کرده‌ایم از تجربیات کتاب‌سازی لاتین برای ارتقاء کتاب‌سازی خودمان بهره بگیریم. در حال حاضر وضعیت کتابخانه‌ها، کتاب‌سازی، تولید کتاب ما مطلوب نیست. همانطور که مقام معظم رهبری در دیدار اهالی فرهنگ و اندیشه بر آن تاکید و از میزان سرانه مطالعه کتاب در کشور انتقاد کرد و روی موضوع تیراژ کتاب انگشت گذاشت و به میزان شمارگان کتاب در کشور اشاره کرد.

بنابراین از آقای دکتر خوش‌منش تقاضا کردیم تا این مبحث سامان پیدا کند. وی مطالعات خود را در ۴ بخش تقسیم کرد. یک بخش کتاب‌های مرجع هستند که کتاب‌ها را به همراه خودشان آورده‌اند. کتاب‌هایی که در طول سالیان زحمت جمع آوری آن‌ها کشیدند و حتی برخی از آن‌ها به سال ۱۸۸۰ و ۱۹۲۰ برمی‌گردد و کتاب‌هایی کمیابی هستند.

ابتدا بحثی درباره کتاب‌های مرجع و شیوه چاپ آن‌ها، دقت و ممارست‌هایی که در چاپ آن‌ها به کار رفته، داریم.

یکی از کتاب‌ها انجیل مسیحیان و به زبان انگلیسی است. در چاپ‌های مختلف موضوع بندی شده است. در آن رنگ‌های مختلفی به کار برده شده است. هر رنگ و رنگ بندی به چه شکل است. کیفیت چاپ آن چگونه است. به طور مثال انجیلی که از سال ۱۹۲۰ تا به حال دوام آورده و زنده است، به دلیل چه صحافی، کیفیت فیزیکی و معنوی بوده است.

کتاب‌های مرجع، دینی و عمومی، کتاب‌های هستند که به فرهنگ عمومی مربوط می‌شوند و کتاب‌های آموزشی و درسی نیز دسته دیگری هستند. دکتر خوش‌منش در این باره توضیح می‌دهد.

دکتر ابوالفضل خوش‌منش :

وقتی انسان یک کتاب ۷۰۰ ساله خطی را باز می‌کند، از نحوه ساخت و پرداخت آن لذت می‌برد و از ساخت، پرداخت، کاغذ، مرکب، نثر و خیلی از فوت و فن‌های و ریزه‌کاری‌های که از وادی کتابداری امروز رخت بر بسته‌اند، بهره می‌برد. وقتی فوت و فن و ریزه‌کاری‌ها از بین برود، قطعاً پیامدها و مصیبت‌های دیگر سر بر خواهند آورد.

در یکی یا دو ماه اخیر ما سخنان آیت الله خامنه‌ای - رهبر انقلاب اسلامی - را در رابطه با موضوع کتابخوانی و تولید کتاب در ایران شنیدیم. گلایه‌هایی که ایشان در این زمینه داشتند، بیش از پیش مطلع شدیم.

نارسایی‌ها و نقص‌هایی که در این زمینه وجود دارد از موضوعات و موارد مندرج و منعکس در گلایه‌های ایشان بودند.

ایشان گفت: «این چیزی که الان در ایران وجود دارد و تیراژه‌هایی که می‌بینیم در خور ایران، این‌جاگاه و پایگاه فرهنگی و این شمار جمعیتی نیست.»

برای این که ببینیم چنین آسیبی چگونه ایجاد شده، ما باید دلیل استقبال نکردن از کتاب و کتابخوانی در ایران آسیب‌شناسی کنیم. باید برای این نرخ پایین مطالعه علاج پیدا کنیم. این موضوع مبحث مهم و معضلی است که نمی‌شود مورد ارزیابی و تحقیق قرار داد.

اما برحسب علاقه‌ای که درباره یافتن کتبی که من به دنبال آن‌ها بودم و موضوع تحقیق خودم در کشورهای مختلف بوده است، مناسب دیدم که صحبتی درباره کتابسازی داشته باشیم.

پایین بودن نرخ مطالعه در ایران یک آسیب بزرگ است. شناخت مناسب، تجزیه و تحلیل این آسیب کار آسانی نیست و نمی‌تواند در یک یا چندین نشست آن را مورد ارزیابی قرار داد.

مسئله مهیب و بزرگی است و از قسمت‌ها و زاویه‌های گوناگون باید آن را نگاه کرد و ما قصد داریم از نگاه کتابسازی یک نگاه گذرا به این موضوع داشته باشیم.

ما در این‌جا درباره کتابسازی کتاب‌های لاتین صحبت می‌کنیم. البته به این معنا نیست که بگوییم هر چه در آن سوی آب‌ها ساخته و پرداخته می‌شود، خوب است و چیزی در ایران ساخته می‌شود، ضعیف است. این موضوع انسان را به یاد ضرب المثل هندی می‌اندازد (فیل همسایه غاز است)، اما مقصود ما چنین چیزی نیست.

این که درباره کتابسازی کتاب لاتین صحبت می‌کنیم به این دلیل است که در این زمینه خیلی گفته نشده است و ما قصد داریم درباره آن صحبت کنیم. به ویژه این که رشته ما یک رشته دینی، الهیات و اسلامی است. معمولاً در چنین رشته‌هایی کتاب‌های لاتین حضور خیلی جدی ندارند. اگر کسی به جهت علاقه‌ای که به تحقیق و پژوهش در برخی از زمینه‌های که در آن از قضا کتاب لاتین نوشته شده به آن ربط پیدا می‌کند، صحبت درباره آن خوب است.

این مسئله که کسی که رشته الهیات خوانده است و درباره کتابشناسی لاتین صحبت کند، خوب است اما به این معنا نیست که هر کاری که آن‌ها انجام داده‌اند خوب است و ما از آن‌ها عقب هستیم.

بنده خودم با توجه به اطلاعاتی که دارم، معتقدم که در ایران ظرفیت‌های انواع و اقسام کارهای فرهنگی، تولیدی و صنعتی بسیار بالاست. در ایران توان، ظرفیت بالقوه، استعداد و پتانسیل بالایی در زمینه‌های مختلف داریم. البته من این سخن را به جهت سفر به کشورهای مختلف و تحقیق و مطالعاتی که داشته‌ام، نه به جهت یک متخصص علاقه‌مند به ایران بیان می‌کنم. اگر از ظرفیت‌ها خوب استفاده نمی‌شود، یک بحث جداگانه‌ای است و به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی‌ها، تدبیر، ابتکار و مسائل دیگر برمی‌گردد. ما در ایران به صورت جدی مشکل توانایی و زیرساختی نداریم.

وقتی که ما صحبت از کتاب‌سازی کتاب‌های لاتین می‌کنیم و موضوع ساخت و پرداخت کتاب مطرح می‌شود، به طور طبیعی ساخت کتاب را با مصرف، رساندن و بهره‌برداری از کتاب پیوند می‌دهیم. برای این‌که در این‌باره صحبت کنیم، شایسته است که اشاره‌ای به تاریخ چندصد هزارساله کتاب‌نویسی و کتاب‌سازی در ایران کنیم.

کتابخانه‌های بسیار مهمی قبل و بعد از اسلام در جاهایی مانند جندی شاپور (نزدیک اهواز)، خراسان، نیشابور و مرو و همچنین در دربار هخامنشی و ساسانی وجود داشته است که در حمله و هجوم‌ها به غارت رفته‌اند.

در برهه‌هایی از تاریخ اسلام نام برخی از دانشمندان می‌درخشد که در اصل دانشمندانی کتاب‌فروش، کاغذفروش، صحاف و لوازم‌التحریرفروش بوده‌اند که در آن زمان به آن‌ها وراق گفته می‌شده است.

برخی از دانشمندان نامدار ایران و جهان و راب بوده‌اند و یکی از دانشمندان سرشناس این‌ندیم است که کتاب «الفهرست» که یک کتاب نیمه توصیفی است، به نگارش درآورده است. این کتاب واقعاً یک مرجع کامل بوده و به صورت ماندگار در اختیار همگان مانده است. این‌ندیم صحاف بوده و با کاغذ سروکار داشته است. در بغداد بسیاری از کتاب‌ها را برای مرمت یا ساخت صحافی پیش او می‌برده‌اند. صاحبان کتاب‌ها پیش او می‌آمده‌اند، او کتاب‌ها را می‌دیده و این دکان او یک پایگاه فرهنگی و مرکز تبادل افکار و انظار بوده است. این موضوع باعث شده که در طول دوران این اثر ماندگار از شرح احوال و وقایع علمی و فرهنگی آن روزگار به دست بیاید.

یک صحاف، و راب، کتاب‌فروش و کتاب‌ساز به خاطر اهتمامی که دارد، یک عالم بزرگ تراز اول می‌شود. نمونه دیگر از این قماش و صنف ارزشمند که ما او را دیده‌ایم، استاد غفاری بود. این مرد بزرگ، مرد الهی، عالم اندیشمند و نوع‌آور در اصل یک وراق بود. از فروش و ساخت کتاب به تدریج از تصحیح و چاپ کتاب وارد این وادی شد و ده‌ها سال بعد بیش از ۲۵۰ اثر وزین، مهم و ارزشمند را جمع‌آوری، تصحیح و چاپ کرد که اغلب کارهای وی ماندنی ندارد. مردی با کدیمین و با روح تشنه اندیشه، آرام به سراغ کتاب و کتاب‌سازی آمد و در نهایت وی یکی از بزرگان وادی علم و فرهنگ ایران شد.

فردوسی این فرزانه فرهمند و این استاد بزرگ، زمانی که شاهنامه خود را تمام می‌کند، به جز ۶۰ هزار دُر شاهواری که به جای می‌گذارد از یک مرد وراق صحبت می‌کند.

سلطان محمود غزنوی، امرا و بزرگان، بسیار آرزو داشتند که پایان شاهنامه با نام آن‌ها پایان پذیرد اما در آخر شاهنامه با اسم یک وراق به پایان رسید.

از آن نامور نامداران شهر

علی دیلمی بود، و رمت راست بر

ابونصر وراق بسیار نیز

بدین نامه از مهتدان یاد چیز

نام ابونصر وراق نامی است که جزو آخرین نفرات شاهنامه ذکر می‌شود. دکتر علی شریعتی در نوشته‌هایش می‌گوید: «شاهنامه‌ای به این بزرگی تنها کسی که از نوع و نژاد ما در آن حضور دارد، کاوه آهنگر است و گرنه بقیه همه از ما بهتران هستند مانند پادشاهان، بزرگان، خسروان، امیران و کسی از ضعف و خس و نژاد ماست پیشه‌وری به نام کاوه آهنگر است اما در واقع کسان دیگری نیز هستند. یکی از آن‌ها همین ابونصر وراق است.»

این مسئله خیلی مهم است که شاهنامه فردوسی بعد از ۶۰ هزار بیت با نام یک کتاب ساز - که به فردوسی در نگارش و در تهیه اقلام مورد نیاز برای نگارش شاهنامه کمک کرده است - به اتمام رسیده است. این یک نشانه و ارزش بزرگ است. من این سخن را از آیت الله جوادی آملی شنیدم. وی هیچ حرفی را بدون منبع و مرجع معتبر بیان نمی‌کند و اظهار می‌کرد که منبع را فراموش کرده است.

وی می‌گفت: «در پندها و رهنمودهای اخلاقی بزرگان و گذشتگان ماست که جوان برای گذراندن اوقات فراغت اگر خواست جایی بنشیند دو جا می‌تواند بنشیند، یکی بازار شمشیرسازان و دیگری بازار رواقان است چون پایه علم و فرهنگ را تقویت می‌کند. بازار شمشیرسازان برای روز مبادا و آن زمان که جنگ نعره می‌زند و کیان و امنیت شهر و کشور در خطر است.»

بازار رواق‌هایی جایی بوده که ۵۰ درصد اوقات فراغت نسل جوان ما را می‌توانسته به خود اختصاص دهد و آن‌ها را جذب کند اما هم‌اکنون در بازار رواق‌های چه می‌گذرد؟ وراق‌ها و لوازم‌التحریر فروشان ما چقدر با کتاب و کتاب‌سازی مرتبط هستند؟

در گذشته زمانی که وارد کتاب‌فروشی می‌شدیم و سراغ کتابی را می‌گرفتیم، کتاب‌فروش یک کتاب‌شناس بود و البته هم‌اکنون نیز در گوشه و کنار کتاب‌فروشان داریم که کتاب‌شناس محسوب می‌شوند اما در اقلیت هستند.

بین سه مقوله کتاب‌سازی، کتاب‌خوانی و کتاب‌فروشی، بعضی از حلقه‌های مفقوده است و برخی از پل‌ها خراب شده و از بین رفته است.

همانطور که رهبر انقلاب گفت، شمارگان کتاب در خور ما و در شأن مردم کشور ما نیست. هم‌اکنون خیلی راحت یک کتاب فکری که ۱۰ تا ۲۰ سال کاربرده داشته است، با شمارگان ۱۰۰۰ جلد چاپ می‌شود و این بدین معناست که در کشوری که ۷۰ میلیون جمعیت دارد، از هر ۷۰ هزار نفر یک نفر ممکن است، خواستار این کتاب باشد. اما چنین چیزی نیز نیست، چون جمعیت کشور ما بیش از ۷۰ میلیون نفر است و بعضی از کتاب‌ها را در همان ابتدای امر وزارت ارشاد خریداری می‌کند. در نتیجه این محاسبه به

ازای هر ۱۴۰ هزار نفر می‌شود. در حالی که برخی از کتاب‌های درسی که در دانشگاه‌ها عرضه می‌شود، دانشجو چون نیازمند دریافت نمره است، مجبور به خریداری کتاب می‌شود.

یکی از دوستان من می‌گفت: «در کلاسی استاد کتاب را به کلاس می‌برد و اجبار می‌کرد که باید همه آن را بخردند و نباید دو نفر از یک کتاب استفاده کنند. همان‌جا کتاب را می‌فروخت و خودش شخصاً پول نقد را دریافت می‌کرد.»

این یعنی از هر ۱۰۰ دانشجو یا از هر ۲۰۰ هزار نفر قرار است یک کتاب را بخردند و آن هم کتاب‌هایی که اکثراً موضوعات فراگیری را مدنظر و بررسی قرار می‌دهد.

در بحث ممیزی یکی از استادان مقاله‌ای را به یکی از نشریات مهم کشور نوشته و عنوان کرده بود که با این وضعیت ممیزی که در کشور داریم، اگر وضعیت مثل قبل حاکم می‌بود، قطعاً دیوان حافظ، مثنوی مولانا، دیوان سعدی و دیگر کتاب‌های مهم به هیچ وجه به شرف چاپ، نشر و نیل و وصول پیدا نمی‌کردند. ما درباره ممیزی بحثی نداریم. موضوع مورد نظر کتاب‌سازی و شکل و فرم آن است و حتی به محتوا نیز نخواهیم پرداخت. ما ۴ دسته اصلی داریم.

- ۱- کتاب‌های مرجع
- ۲- کتاب‌های دینی
- ۳- کتاب‌های درسی
- ۴- کتاب‌های عمومی

برای این که این مطالب را بیان کنیم، چند عنوان که شاکله و استخوان‌بندی حرف‌های ما را تشکیل می‌دهند، ذکر می‌کنم.

- ۱- کتاب‌های خوب و تاثیرات آن
- ۲- کتاب‌سازی و آموزش غیرمستقیم
- ۳- تدوین کتاب‌های درسی
- ۴- کتاب و شهرداری
- ۵- اولیت دادن به کتاب ارزان یا کتاب باکیفیت
- ۶- چرخه کتاب و ورود دوباره کتاب‌های دسته دوم به عرضه توزیع، فروش و مصرف
- ۷- کتاب و روزنامه
- ۸- کتابفروشی‌های دینی
- ۹- راسته فرهنگی
- ۱۰- کتاب فروشی دینی و راسته فرهنگی

این ۱۰ عنوان فرهنگی ذیل ۴ عنوان اصلی خواهد بود که درباره آن حرف خواهیم زد. بیشتر حرف ما به صورت کارگاهی است، چرا که خود کتاب‌های گویاترند و ما را تا حد خوبی هدایت خواهند کرد.

۱- کتاب‌سازی خوب و تاثیر آن

کتاب‌سازی خوب روشی است که امکان ارتباط خواننده و مصرف‌کننده کتاب با خود کتاب را پدید آورد. کسانی که اهل مطالعه هستند، می‌دانند که بازکردن یک کتاب اگر آن کتاب درست ساخته و پرداخته شده باشد، یک رابطه نامرئی را بین چشم انسان و ذهن انسان و قلب انسان با کتاب ایجاد خواهد کرد.

وقتی که کتابی را باز می‌کنیم اگر درست ساخته و پرداخته شده باشد، ما این احساس را داریم که تارها و رشته‌هایی ما را با کتاب پیوند می‌دهد. به این معنا که اگر کسی ما را بدون مقدمه صدا کند، یا بدوت مقدمه تلفن بزند، احساس می‌کنیم که تمام این رشته‌ها بریده می‌شود و برای ما این وضعیت نامطلوب و نامطبوع است.

وقتی که با کتاب ارتباط برقرار می‌کنیم، نوعی رخوت روحانی و معنوی خاصی بین ما و کتاب ایجاد می‌شود. حاضر نیستیم این پیوند را بدون مقدمه از دست بدهیم. اگر کتاب خوب ساخته شود، این رابطه ایجاد خواهند شد.

حرف‌ها و مطالب کتاب در لایه‌های اندیشه مخاطبی که جزئی از جامعه است و در گوشه‌ای از جامعه به مقدار کم یا زیاد تصمیم ساز و منشأ اثر است. این مطالب رسوخ می‌کند و ماندگار است. نگاه، تصمیم، فکر و عملی مخاطب را تحت تأثیر قرار خواهد داد. خیلی از مواقع کتابی می‌سازیم که این کتاب‌ها جایگاهی در جامعه علمی و فکری و فرهنگی ما ندارد. برخی نشریات که منتشر می‌شوند و حتی برخی نشریات که در دانشگاه‌ها عرضه می‌شوند، به درد خواندن نمی‌خورند. حرف‌های این نشریات اصلاً نفوذ نمی‌کنند و نمی‌تواند در افکار یا اندیشه‌ها اثربخش باشد.

۲- کتاب‌سازی و آموزش غیرمستقیم

از این نکته نباید غافل شویم که کتاب خوب علاوه بر آن که مطلب را القا می‌کند، یک آموزش مستقیم نیز به ما می‌دهد. یک نظم اتوماتیک و خودکار را به اندیشه، نگاه، رفتار و عمل ما می‌بخشد.

۳- تدوین کتاب‌های درسی

این حرکت در دنیای امروز یک کار بسیار پیشرفته، ظریف و فوق‌العاده دقیق است. از داده‌ها و تجربیات دانش‌های تعلیم و تربیت، روانشناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، ریاضی و... در ساخت و پرداخت یک کتاب درسی استفاده می‌شود.

هم‌اکنون تیراژ کتاب‌های درسی ما در بعضی زمینه‌ها کم نیست. در برخی از زمینه‌های کتاب‌های درسی ما را کسانی نوشته‌اند که برای اولین و آخرین بار دست به قلم برده‌اند. با توجه به قراردادی که بر روی یک کاغذ تنظیم شده است، به نوشتن کتاب درسی

اقدام می‌کنند، مثلاً می‌گویند: «برای ما رشته یا سرفصل در موضوعی طراحی کنید.» طرف دوم قرارداد نیز این کار را انجام می‌دهد در حالی که برای اولین بار است که چنین کاری انجام می‌دهد و اصطلاحاً «آب از آب هم تکان نمی‌خورد.»

در موسسات آموزشی دیده‌ام که چندین رئیس عوض شده‌اند و چندین چرخه کامل تنظیم و تدوین کتب درسی نیز در آن اجرا و انجام شده است که برای هر کدام هزینه‌های هنگفتی شده است. پس از ۱۵ تا ۱۶ سال می‌بینیم هنوز در همان پله و خانه اول هستیم.

تدوین کتاب درسی در بعضی جاها بسیار مبهم و مهمل به حال خود رها شده است. یک علت آن به مسئولی برمی‌گردد که خود او این مسئله را طراحی کرد و خود او نیز کتاب درسی درستی نداشته است.

۴- کتاب و شهرداری‌ها

در حاضر دید در شهرداری نسبت به کتاب بهتر شده است. هم‌اکنون در بخش‌هایی از شهرداری‌های ما تشکلهایی به وجود آمده که به موضوع کتاب و فرهنگ عمومی مکتوب و امثال آن اهتمام می‌ورزند اما در بعضی کشورهای اروپایی دیده‌ام که قدمت فرهنگی بر شهرداری‌ها سایه انداخته و موضوع کتاب، موضوع اصلی است که در آن نقشه‌های زیبای شهری با یک حالت فرهنگی و هنری تهیه و تدوین شده است. بیش از هر چیز دیگر نشست‌های فرهنگی یا عرضه کتاب به صورت‌های مختلف دیده می‌شود. با توجه آن که شهرداری کارهای محوله خود را انجام می‌دهد. اما در ایران به شهرداری که وارد می‌شویم مردم به دنبال سند منزل یا پرداخت جریمه‌های ملکی و ... هستند.

۵- کتاب ارزان یا کتاب باکیفیت

موضوعی که همیشه مطرح بوده، یارانه دادن به کتاب و کتاب‌سازی است. در اختیار قرار دادن کاغذ ارزان یا ارائه یارانه نیز موضوع دیگری است که همیشه با این موضوع که به چه کسی بدهیم و به چه کسی ندهیم مطرح بوده است. این بحث چندین سال است که مورد جنجال بوده است و با آن مواجه هستیم.

به نظر من در این زمینه نمی‌توان قضاوت مطلق کرد. به هر حال این نظریه و این مبنا در خیلی از جاهای جهان وجود داشته و دارد که یارانه دهیم. اگر کتاب‌ها ارزان قیمت به چاپ برسند بهتر است که به دنبال این مسئله برویم که باکیفیت و ماندگار چاپ کنیم. در نهایت برآیند فرهنگی و علمی آن برآیندی پایین‌تر از این نخواهد بود. اگر پس از ۲۰ تا ۳۰ سال بین کتاب ارزان و کتاب باکیفیت برآورد کنیم، خواهیم دید که برآیند آن از حال حاضر پایین‌تر از حیث راندمان و بازده علمی و فرهنگی نخواهد بود. البته من متذکر شوم که این نظریه‌ای است که کنار نظریه‌های دیگر وجود دارد و هدف ما داوری نیست و بیشتر طرح مسئله می‌کنیم.

اگر به موضوع ساخت کتاب‌های باکیفیت عمل کنیم. موضوع چرخه کتاب نیز شکل می‌گیرد و یک کتاب چندین و چند بار می‌چرخد.

۶- چرخه کتاب و ورود دوباره کتاب‌های دسته دوم به عرضه توزیع، فروش و مصرف

گاهی دانشجویان به من مراجعه می‌کنند و به من می‌گویند: «موضوعی برای نوشتن پایان‌نامه به ما بدهید.» من هم به آن می‌گویم: «موضوعات من بسیار خوب هستند و آن قدر خوب هستند که قابل اجرا نیستند. اگر مرد میدان هستید، شروع کنید اما اگر می‌خواهید تنها با یک موضوع پایان‌نامه را تکمیل و ارائه کنید و نمره قبولی دریافت کنید، به سمت این موضوعات نیایید.»

این موضوعات بسیار خاص هستند. همانطور که کتاب‌هایی که من دنبال آن‌ها بودم خاص بودند. اغلب این کتاب‌ها در کتاب فروشی‌ها که کتاب نوع اول ارائه می‌کنند، پیدا نمی‌شود.

اکنون ذائقه فکری و فرهنگی و نگارشی با ۵۰ سال قبل در تمام دنیا تفاوت‌های متعددی پیدا کرده است. ۱۰۰ سال قبل تعبات لغوی و واژگانی بسیار کمتری داشته‌ایم. به طور مثال، کتاب‌هایی که به کار ما می‌آید و ارزشمند است، اکثراً دست دوم هستند. کتاب‌های نو در این موضوعات وارد نمی‌شوند.

زمانی که کتاب فروشی‌های بزرگ، معتبر و درجه یک در جاهای مهم اروپا را بررسی کردم، متوجه شدم که کتاب‌های خوب و ارزشمند را می‌توان آن‌جا یافت. آن کتاب‌ها خوب و ارزشمند ساخته شده‌اند. مانند کتاب‌هایی که در سال ۱۸۷۰ که پس از سه قرن طوری ساخته و پرداخته شده‌اند که به دست ما می‌رسند. آن‌ها هنوز زیبا، خوش دست، ماندگار، آموزش دهنده، الهام بخش و قابل استفاده هستند.

در برخی از کشورها می‌بینیم که مسئله چرخه کتاب یک مسئله زنده و حاضر است. روزهای یکشنبه در مدارس یا بازارها، کتاب‌های موجود در خانه را حراج می‌کنند و علاقه‌مندان از آن‌ها استقبال کرده و آن‌ها را می‌خرند. این کتاب‌ها چندین و چند دست می‌چرخند. چون باکیفیت هستند در چرخه حضور دارند. دور ریز کتاب که ما هم‌اکنون داریم در آن‌جا وجود ندارد.

۷- کتاب و روزنامه

کتاب‌سازی و روزنامه‌نویسی و روزنامه‌سازی بحثی است که باید به آن پرداخت. به طور مثال: در برخی فرهنگ‌های لغت، زمانی که یک واژه را بیان کنید، برای واژه گاهی ۴۰ استناد می‌آورد. این واژه ۶ معنای اصلی دارد و ۳۴ معنای استعمال فرعی که زیرمجموعه معنی اصلی قرار می‌گیرد.

در فرهنگ‌های معتبر مثل «گوبلز و لوروس» گاهی برای یک واژه به ۷۰ سال قبل در یک روزنامه در کشورشان استناد کرده‌اند. یا روزنامه «لوموند» ۶۰ سال قبل در یکی از شماره‌های خود این واژه را به این معنا به کار برده است. بنابراین اهمیت نگارش و روزنامه مهم است. در حالی که هم‌اکنون در ایران روزنامه‌های درجه اول غلط املائی و نگارشی دارند. مثلاً در یک صفحه روزنامه یک واژه را در ۴ خبر به دو یا سه صورت نوشته شده است. نمی‌خواهم بگویم که روزنامه‌های ما از مدل و الگوی فرهنگستان پیروی نمی‌کنند اما هر روزنامه یا کتاب برای خودش رسم‌الخط و روشی دارد. حتی گاهی یک روزنامه نمی‌تواند به یک شکل واحد تعریف شده‌ای یک واژه را استفاده کند.

۸- کتاب فروشی‌های دینی

کتاب فروشی و چاپ خانه‌های که تخصص آن‌ها مسائل دینی و مذهبی است، گاهی محصولاتی را تولید می‌کنند که همگام با نیازها و چالش‌های فکری جامعه و نسل جوان ما نیست.

در تدوین کتاب فروشی‌هایی که تخصصی در زمینه دینی کار می‌کنند، می‌بینیم که این کتاب‌های نمی‌توانند یک درصد از افراد جامعه را به خود جذب کنند. گاهی در یک زمینه یک چهارم و یک پنجم و در برخی زمینه‌ها گاهی حتی یک دهم از نسل کتاب‌خوان را جذب می‌کنند.

تیراژ کتابی که در ایران منتشر می‌شود، به ۱۰۰۰ جلد می‌رسد. به همین تعداد نیز کتاب فروشی‌ها و ناشران بومی ما را باید بررسی کرد تا مشخص شود، موفقیت آن‌ها تا چه حد است؟

کتاب قطور و سنگین «دایره‌المعارف زبان فرانسه» که چند جلدی است، به ۹۰ سال قبل برمی‌گردد. در ساخت این کتاب آمیزه‌ای از هنر کاغذسازی، نجاری و آهنگری استفاده شده است. این کتاب یک مجموعه کامل از فرهنگ فرانسه است که زبان‌شناسی، منطق و ریاضیات را در خود دارد و به علاوه این‌که تصاویری محدود و جالب در زمینه تاریخ خط و کتابت در آن وجود دارد که بسیار ارزشمند است. در این کتاب از مقوا و فلز فنی و چوب استفاده شده تا این کتاب را برای ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال حفظ کند.

اما در ایران گاهی کتابی را از خیابان انقلاب می‌خریم که هنوز سطر اول آن تمام نشده، کتاب پاره می‌شود.

کتاب «اسطوره‌شناسی مصر» در سفر به بلژیک برایم بسیار عجیب بود. در آن‌جا در کتاب فروشی‌ها، فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ شهرداری بروکسل به صورت متعدد درباره اسطوره‌شناسی مصر، کتاب، دایره‌المعارف، محصولات زیبا، متنوع و نشست‌های فرهنگی وجود داشت. این مسئله دو بُعد دارد. یک بُعد آن بها دادن به اسطوره‌شناسی در مقابل دین، فرهنگ قرآنی و اسلامی مصر است. بُعد دیگر آن فعال بودن گروه‌های مصر در دیگر کشورهاست تا زمینه شناخت این فرهنگ فراهم شود.

من در آن‌جا دنبال یک کتاب خوب از ایران بودم، اما یک عدد کتاب هم نیافتم مگر یک کتاب که مربوط به دوره‌های قبلی بود.

این کتاب اسطوره‌شناسی مصر با این پرداخت زیبا، تصاویر جذاب، ماندگار، توضیحات معقول و حساب شده بر روی مخاطب جوان هم در داخل و هم در خارج اثر می‌گذارد و اثر آن به خوبی پیداست.

دیگری دیکشنری اسلام به زبان انگلیسی است که چاپ آن متعلق به سال ۱۹۶۵ میلادی نیوجرسی است. یک فرهنگ کامل اسلام از دیدگاه امریکایی و با استناد به کتابخانه‌ها و مکان‌ها دیگر امریکا است.

علامه طباطبایی می‌گفت: «این کتابخانه‌ها با آرا و نظریات دانشمندان مصری، پاکستانی و سعودی کامل شده است.»

من نمی‌دانم بعد از انقلاب چه تعداد فرهنگ اسلام یا فرهنگ انقلاب اسلامی در ایران چاپ شده است یا بعد از انقلاب چه تعداد دیکشنری با استانداردهای فرهنگی ما نگاشته شده باشد که بتوان آن را خریداری کرد و در کتابخانه قرار داد که هر کسی بتواند از این فرهنگ یا دیکشنری استفاده کند.

آیا واژگان مربوط به انقلاب اسلامی که ۳۳ سال از آن می‌گذرد، تدوین شده است؟ در این ۳۳ سال صدها و هزاران واژه و ترکیب جدید ایجاد شده و آن فرهنگ که باید این از آن تعریف علمی ارائه داد، کجاست؟

وقتی فرهنگ اسلامی را می‌بینیم، بر روی جلد آن‌ها تصویری از اسب، کلاه خود، نیزه و ابزارآلات جنگی دیده می‌شود که نشانه بسط و گسترش اسلام با نوعی خشونت و ترور را القا می‌کند؟

بالاخره ما باید فرهنگ تاریخی اسلام را در کشور خودمان داشته باشیم یا خیر؟ یک فرهنگ درباره شیعه داشته باشیم یا خیر؟

مرحوم مظفر در این زمینه در نجف با محدودیت‌های خاص آن، این کار را انجام داده است اما اکنون با این مطالبات روز ما چیزی داریم؟

کتاب «مسلمان بودن در فرانسه» کتابی علمی، دقیق و باحساب و کتاب درباره حال و وضعیت فرد مسلمان و مسلمانان در فرانسه است. فرانسه‌ای که هم‌اکنون بیش از ۵ میلیون نفر جمعیت مسلمان دارد و اسلام دومین دین این کشور است. در ۵۰ سال آینده با توجه به رشد مسلمانان و عرب‌ها در فرانسه، اسلام دین اول آن کشور خواهد شد. اسلام در فرانسه یا اسلام اروپایی بحثی مفصل است. نظریه‌پردازان و اتاق‌های فکر اروپایی معتقدند که ما نیاز به «یورو اسلام» داریم که یک اسلام اتوکشیده و هنجارهایماندی است که اگر الان آن را طراحی نکنیم در آینده کنترل و ضعف از دست ما خارج خواهد شد. طراحی روی جلد این کتاب عکسی از یک عروسی جوان با پیرمردی روستایی که ظاهراً داماد است - نشان از یک ازدواج تحمیلی و دور از محبت و مودت - به همراه یک دسته گل و عکسی از کعبه نشان می‌دهد. وضعیت مسلمانان و مسلمانی در فرانسه کتابی روشمند و دقیق است.

در این میان مرجع کتاب «معجم الایمان مسیحی» به سه زبان انگلیسی، فرانسه و عربی چاپ شده که ایمان و عقیده مسیحی را در یک کتاب خوش دست و زیبا جمع و قابل عرضه کرده است. در این میان جای خالی فرهنگ اسلامی و شیعه خودمان محسوس است.

در سال گذشته خبری منتشر شد مبنی بر این که اشیاء متعلق به چهار یا پنج هزار سال قبل ایران در کارتن سیگار بهمن پاره شده در موزه ایران باستان دیده می‌شود اما موزه لوور کتابی در فرانسه از نقشه این موزه تا محتویات، اقلام و آرتیک‌های داخل موزه شرح و توضیحی به همراه موضوع‌بندی تاریخی و جغرافیایی همراه با ایندکس و مرجع آن در یک کتاب منتشر کرده است. خیلی از این اشیاء که از ایران غارت شده از سنگ‌های بسیار بزرگ تخت جمشید و شوش با شتر به وسیله خانم باستان‌شناس فرانسوی که بعدها مدال نیزگرفت، از ایران خارج شده است.

وقتی به او گفتند که این سنگ‌ها را کجا می‌برد، گفت: «در آن جا باران زیاد می‌بارد و نیاز به سنگ‌هایی داریم تا پاهایمان در گل فرو نرود و علت بردن این سنگ‌ها این است.»

وی با افتخار می‌گوید: «مهرگردون ماندانا بانوی بزرگ هخامنشی را با یک آئینه یک فرانکی با یک زن ایللیاتی ایرانی مبادله کردم.»

فرهنگ «دیکسیونر هنر و باستان‌شناسی» نیز از مجموعه بزرگ لاروس است. لاروس و روبل که بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال قبل زندگی می‌کردند، واژه‌نگار بودند و فرهنگ‌هایی که در زبان فرانسه به وسیله آن‌ها تعریف شده است، بعدها بسیار توسعه پیدا کرد.

لاروس و روبل مجموعه‌هایی بسیار غنی از انواع و اقسام مسائل و زمینه‌های مختلف نوشته و چاپ کردند. مانند «دیکسیونر معماری و باستان‌شناسی» همراه با تصویر که آن را از خیابان انقلاب خریداری کردم. ارزش این کتاب مشخص است.

کتاب «یک دوره کامل علم» چاپ ۱۸۹۷ میلادی که تصویر آن نقاشی است، ساخت بسیار دقیق دارد.

کتاب «فرهنگ معماری و بنایی» نیز کتاب خوبی است اما باید برای صنف بنا و معمار ما فرهنگ و کتاب تعریف شود تا چنین کتابی در خانه معماران و بناهای ما پیدا شده و تفاوت آن ناگفته پیدا شده تا آن‌ها از چنین کتاب‌هایی بی‌نیاز شوند.

پرسش: آن‌ها اصولاً دارای صنف‌های مختلفی هستند که فرهنگ‌نامه دارد، ما در این‌جا کتاب‌های روشی داریم، یعنی هر چیزی که آن‌ها می‌نویسند به نام فرهنگ‌نامه ارائه می‌دهند، نظر شما در این رابطه چیست؟

نه، اصلاً این‌طور نیست. فرهنگ‌نامه اصول و استانداردهای دارد و با کتاب درباره روش متفاوت است. چیزی که آن‌ها دارند، دیکسیونر است. مانند فرهنگ روبل که ما فرهنگ دهخدا را در مقابل آن داریم. از لحاظ زمانی و زبانی مثل فرهنگ دهخداست اما دهخدا برای فرهنگ‌نامه خود ۴۵ سال زحمت کشید.

من در کتابی تألیفی خود بیان کردم که تنها کسی که پس از فردوسی می‌تواند در جایگاه خدمت به زبان پارسی جای گیرد، علامه دهخداست. این نظر استادان و اهل فن نیز است اما فرهنگ وی، در آن زمان چاپ نشد چنانچه آن نسخه کامل چاپ شده آن را ندید و از دنیا رفت. وی تنها جمع‌آوری اولیه را انجام داد. کاری که لاروس و روبل کردند، این بود که آن‌ها کتابی‌ها در مورد مسائل مختلف چاپ کردند و اگر ما می‌خواستیم چنین کاری کنیم، باید دهخدای بنایی، خیاطی و ... می‌داشتیم.

زمانی که کتاب یا کتاب‌سازی روشمند است در واقع یک اثر آموزشی غیرمستقیم است که نمونه یک فرهنگ است. نمونه آن یک فرهنگ رومی که یک فرهنگ کامل فرانسه است. این فرهنگ دو قسمت دارد. یکی نام‌های عام که واژگان معمولی دارد و دیگری که واژگان خاص را به همراه بیش از ۱۰۰ تابلو، تصویر و نقشه و ... در یک بلوک خاص نشان می‌دهد. در سال ۱۳۶۸ (ش.ه) این فرهنگ به دست من رسید و با عشق و اشتیاق زیاد سال‌ها آنیس و مونس من بود. در این فرهنگ هر واژه در یک بلوک قرار می‌گرفت و واژگان دیگر که از آن مشتق می‌شد را با دقت، ظرافت و چند فونت مختلف، علامت اختصاری ساده، واضح، پویا و اساسی نشان می‌داد و حتی ارتباط این‌ها را با هم می‌گفت.

در برخی مواقع سرکلاس درس تفسیر قرآن، برخی از دانشجویان می‌پرسند از کجا این ریشه‌یابی‌ها و ارتباط این واژگان را با هم پیدا کرده‌اید؟ چگونه این‌ها در ذهن شما شبکه‌مند جای گرفته است؟

یکی از چیزهایی که به من کمک کرده است، روشی است که در این کتاب‌ها دیدم. ساخت و پرداخت عبارات و این حروف‌بندی‌های در یک چنین کتابی دست ذهن و اندیشه را می‌گیرد و سیر می‌دهد. آن را با انواع، اقسام ارتباطات و تعاملاتی که بین واژه‌ها و ترکیباتی آن‌ها وجود دارد، آشنا می‌کند.

لاروس یک فرهنگ تخصصی است که بیش از ۱۰۰ نوع تخصصی از آن چاپ شده است. یکی از آن‌ها فرهنگ دیکته‌شناسی لاروس، دیگری فرهنگ آنالوژیک (فرهنگ کلمات مرتبط با هم). وقتی شما کتاب را باز می‌کنید، درباره یک کلمه در پایین صفحه نیز در

پاورقی درباره آن توضیحاتی داده است. شما درباره کلمه معنا پیدا نمی‌کنید، آن کلمه کلمات دیگری را تداعی و بیان می‌کند. مثلاً اگر بگوییم صوفیسم، اسلام، ایران و... چه چیزهایی را تداعی می‌کند؟ این موضوع را بلوک بلوک و خوشه خوشه آورده است و آن‌طور فرهنگ‌نویسی کاربرد خودش را دارد که در این‌جا نمی‌توان به آن پرداخت.

پرسش: روش نوشتن این گونه فرهنگ‌ها چگونه است؟

صاحب‌نظران بزرگ زبان‌شناسی براساس ارتباطات زبانی و منطقی این‌ها را می‌نویسند. من سه جلد از یکی از فرهنگ‌ها را دارم که یکی از ایران، یکی را از ساحل عاج و دیگری را از کنگو از یک دستفروش - یک عدد از آن را داشت - خریداری کردم. زمانی که از قیمت بالای آن دستفروش شکایت کردم. دستفروش گفت: «این متعلق به روبل است»

خیلی جالب است که یک دستفروش در کنگو که حدود ۱۵ هزار کیلومتر با فرانسه فاصله دارد، می‌گوید که این فرهنگ روبل است. این کتاب ارزش دارد.

آن‌ها از همان ابتدا این کارتل‌های مطبوعاتی درست و اصولی عمل کرده و جای خود را باز کرده‌اند و یک دستفروش می‌گوید، این کتاب روبل است و قیمت آن همین است.

کتاب «اسماء مشتق زبان فرانسه» یک فرهنگ کلیدی و مهم است، هم مربوط به روبل است.

فرهنگ دیگری مانند فرهنگ «اکومولوژی» نوشته خانم «ژاکلین فیکوش» یکی از دانشمندان بزرگ فرانسه نیز فرهنگ کاملی است. ما در فرهنگ‌نگاری و کتاب‌نگاری سابقه بسیار بالایی داریم و در این زمینه از بقیه چیزی کم نداریم اما نیازمند برنامه‌ریزی مناسب هستیم.

فرهنگ مهم دیگر فرهنگ «چو و آشت» است که ناشری در فرانسه به همین نام آن را منتشر کرده است. این انتشارات یک کارتل بزرگ انتشاراتی در فرانسه است که برخی آن را متعلق به یهودی‌ها می‌دانند.

در کتاب «سودای مرگ» نوشته «کنت آرتیمرمن» خبرنگار امریکایی - عضو CIA و دشمن ایرانی‌ها - وی درباره ناگفته‌های جنگ ایران و عراق استنادات و استشهاداتی آورده است که همگی به نفع ایران است و مظلومیت ایران را نشان می‌دهد. یکی از مسائلی که نویسنده در این کتاب مطرح می‌کند، وارد شدن انتشارات بزرگ چواشت در جنگ ایران و عراق و خونریزی جنگی است تا زهرش را به کشوری مانند ایران بریزد.

کتاب «اتومولوژی» خانم فیکوش هم چنان معتبر است که انتشارات چواشت آن را در کنار چاپ‌های لاروس و روبل چاپ کرده است.

در مورد کتاب‌های درسی نیز کتاب معروفی به نام «لانفونسن فی قیه» داریم که روش آموزشی فرانسه محسوب می‌شود و در ۴ جلد چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۹۶۹ همزمان با زمان زندگی ژنرال دوگل - که اهتمام فرانسوی‌ها به زبانشان بسیار زیاد

بود- چاپ شده است. برای نگارش این کتاب تمام فرانسه را گشته‌اند و گویش‌ها و زبان‌ها، شهرها و استان‌های مختلف را ضبط و پیاده کرده‌اند تا این کتاب به نگارش درآید.

در جلد اول بیشتر تکیه کتاب بر هوش است، سپس ارتباطات منطقی یعنی تصاویری که زبان‌آموز باید خودش این ارتباط منطقی را کشف کند، این کشف موجب شده که در ارتباطات در آینده خودکفا شود. گره‌های زبانی برای او باز خواهد شد و این گره‌ها یک شبکه منظم و به هم پیوسته را در ذهن زبان‌آموز شکل می‌دهد.

در جلد دوم به زندگی فرانسوی، در جلد سوم به تمدن کنونی فرانسه و در جلد چهارم به تاریخ کهن فرانسه به صورت غیرمستقیم پرداخته است.

کتاب « بدون مرز جدید» که کتاب آموزش زبان فرانسه است به سبک جدید نگارش شده است. در این کتاب خیلی حساب شده و با ریزه‌کاری‌های فراوان به انتقال و صادرات فرهنگ فرانسوی پرداخته شده است.

من این کتاب و کتاب قبلی را تدریس کرده و تا حدی با ریزه‌کاری‌های آن‌ها آشنا هستم و گاهی دریغ و افسوس می‌خورم که چرا ما یک کتاب برای زبان پارسی در چنین زمینه‌هایی نداریم.

در زمانی پادشاهان عثمانی تا پادشاهان هند افتخار می‌کردند که به زبان پارسی شعر بگویند. سیاهان آندولسی که از اسپانیا تا چین می‌رفتند، می‌گفتند که مطربان چینی برای ما ترانه‌های پارسی می‌خوانند و ما از آن بهره‌مند شدیم. زمانی زبان پارسی این‌گونه محبوب بوده اما در زمان حال چند کتاب پارسی حساب شده داریم؟

مجموعه مهمی به نام «چه می‌دانم» در زبان فرانسه است که نزدیک به ۳۰۰ جلد از آن درباره موضوعات مختلف به چاپ رسیده است که تک‌نگاری است و نفرات اول و برتر آن رشته آن را به تحریر درآورده‌اند. هم‌اکنون ما بزرگانی داریم که در جایگاه بالایی قرار دارند، که درس‌هایی را تدریس می‌کنند و می‌روند و دیگر فرصت ندارند که خود آن را با بیان هنرمندانه نگارش کنند. آنگاه موسسه‌ای صداها را در کلاس درس به چند دانشجو می‌دهد تا آن سخن‌ها را پیاده کنند، سپس این سخن‌های پیاده شده را صحافی می‌کنند و کتاب می‌شود. پس از آن نیز به کتاب‌فروشی‌ها و به دست‌دستفروشی‌ها می‌رسد اما این‌که چند درصد مردم از این موضوع باخبر می‌شوند، کسی نمی‌داند.

«رژبی بلاشر» نفر اول فرانسه در قرآن است. وی یک‌ترجمه ادبی و فاخر از قرآن به فرانسه دارد. آن‌ها نفرات اول هر موضوعی را برای نوشتن آن موضوع ترغیب می‌کنند. کتاب قانون‌های اساسی فرانسه که آن را به عنوان کشور قانون می‌شناسیم نیز پس از گذشت بیش از ۱۰۰ سال هنوز زیبا و شکیل است.

کتاب فرهنگ فرانسوی با جلد زردرنگ نیز که چاپ آن ۱۸۸۰ میلادی است، هنوز فرهنگ مهمی است یا فرهنگی که همزمان در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۸۹۰ میلادی به چاپ رسیده که در آن نام خلیج فارس آورده شده است.

کتاب «تاریخ جنگ جهانی دوم» که در سال ۱۹۴۴ به چاپ رسیده، وقایع مربوط به آن سال را به صورت مصور و شکیل توضیح داده است. در این کتاب عکس ژنرال دوگل با یک دختر بچه در حال مدال دادن آورده شده است.

در کتاب تورات و انجیل به زبان فرانسه زیر در وسط‌ایه‌ها و در ادامه تفسیر آن آمده است. با آنکه این کتاب نوشته بشر است و کتاب آسمانی محسوب نمی‌شود، اما این ستون ریز و دقیق دارد که آیه به آیه تفسیر شده است.

کتاب لاپیل هم است که زبان فرانسه آن را با فرمت استاندارد جلوه سیاه با حاشیه قرمز قرار دارد که موضوعات را به هم پیوند می‌دهد اما در بیروت این کار ناشیانه و نادرست چاپ شد و قرآن را با تفکیک رنگی چاپ کردند .

همچنین تفسیر بسیار شکیلی تورات و انجیل را در ۸ جلد چاپ کردند و در آن از ریفرنس‌های بسیار عالمانه استفاده کردند که هر کس کتاب را می‌خواند تشویق می‌شود که چنین کتابی را از دست ندهد.

کتاب « کشیش در کلیسا» نیز مربوط به دعاهایی که کشیش در جاهای مختلف می‌خواند و تفکیک روزها و مناسبت‌ها را نیز دارد. در حالی که فرهنگی مانند فرهنگ لاپیل برای قرآن نداریم.

کتاب عصر تورات به زبان ابری - کتاب مقدس به زبان پارسی- را نیز من در یکی از محلات فقیرنشین آفریقا پیدا کردم.

کتاب « نامه‌ای برای تو» را در فرودگاه‌ها، فروشگاه‌ها، بندرها و ... رایگان به بازدیدکننده می‌دهند. که در زمانی آن را باز می‌کنیم درباره مسیحیت و ... می‌خوانیم.

همچنین برای اشاعه فرهنگشان خودزنی هم کرده‌اند مانند چاپ کتاب « غرب وحشی» که در حد خود جذاب است.

کتاب « طلای ناب» نیز تنها برای کسانی که حوصله‌ای برای خواندن ندارد، چند آیه از انجیل را بیان می‌کند.

کتاب «داستان‌های کتاب مقدس» به زبان پارسی را یکی از دانشجویانم در بروکسل به من هدیه داد که خود از بستگانش هدیه گرفته بود. روی صفحه اول آن نوشته شده بود (شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۹ کشتی ایران بروجردی- بندر آنورس بلژیک) این کتاب به زبان پارسی سلیس بود که انسان از خواندن آن لذت می‌برد و بسیار گویا بود.

قبلاً درباره آخرالزمان در سینمای هالیوود و امام زمان در روایات صحبت کردم و گفتم: «هالیوود را نباید آنقدر ناتوان دید. بحث ظهور امام زمان را نباید این قدر کوچک نگاه کرد. بحث ظهور در ادبیات جهان نباید دست کم گرفت و مسئله خیلی فراتر از این‌ها است.»

مجله «حقیقت محض» به عنوان تبلیغ مسیحیت برای بچه‌ها به زبان فرانسوی چاپ می‌شود. دروس انجیل نیز به تفکیک مانند ازدواج، محیط زیست و آلودگی محیط زیست، پیشرفت و طغیان بشر، جهنم و ... به چاپ رسیده است.

یک کتاب بسیار زیبا به زبان پارسی هم داریم که درباره علت زیاد بودن رشوه‌خواری در دنیا به نام « چرا رشوه‌خواری؟» به چاپ رسیده که کتاب رنگی زیبایی است.

این‌ها اجمالی از موضوع ساخت کتاب‌ها در کتاب‌های لاتین بود و مشخص است که بازار کتاب لاتین بسیار وسیع‌تر از آن است که بخواهیم در یک نشست درباره آن صحبت کنیم. تأکید و تکرار می‌کنم که ظرفیت خودمان در ساخت و پرداخت کتاب و تفکیک و

صنعت واقعاً بالاست. ما مشکل ظرفیت نداریم. خودباوری و زیرساخت در ما وجود دارد ولی مشکل به برنامه‌ریزی و ... برمی‌گردد که در این جا نمی‌توان به آن پرداخت.

۹- راسته فرهنگی

داشتن راسته فرهنگی در خیابان انقلاب که تا بهارستان ادامه می‌یابد با سابقه بیش از ۱۰۰ سال در هیچ کجای دنیا وجود ندارد. شاید در فرانسه «کختیه لاتن» تا حدی شاخص باشد اما به این وسعت جغرافیایی نیست.

من به کشور اندونزی سفر کردم. در این کشور بیش از ۲۴۰ میلیون نفر مسلمان یک کتاب‌فروشی پیدا نکردم. هر روز با رایزن فرهنگی ایران بودم و از او نیز سؤال می‌کردم. برای سخنرانی‌های مختلف که به دانشگاه‌های متفاوت می‌رفتم. همه تشویق می‌کردند اما بحث علمی پیش نیامد. تنها چند کتاب‌فروشی دیدم که در حد روزنامه‌فروشی بود و آن‌ها نیز تنها رمان‌های دسته دومی یک یا دو لاری برای بچه‌ها داشتند. هیچ کتاب‌فروشی فکری و فرهنگی استاندارد در این کشور ۲۴۰ میلیون نفری ندیدم.

۱۰- کتاب فروشی دینی و راسته فرهنگی

در بهارستان ایران در سال ۱۲۸۵ تشکیل عدالت‌خانه شده است و مجلس شورای اسلامی نیز در آن جا شکل گرفته است. کتابخانه مجلس شورای اسلامی هم یکی از کتابخانه‌های نفیس خاورمیانه و جهان است. موسسه سپه سالار نیز در آن جا شکل گرفت که در حدود ۶۰ سال قبل یکی از مدارس درجه اول خاورمیانه بوده است و بزرگانی مانند مدرس، راشد یزدی، آیت الله طالقانی، فاضل طونی و... در آن جا درس خوانده‌اند.

خیلی از کتاب‌فروشی‌های پیرامون این منطقه شکل گرفته است. دانشکده «معقول و منقول» که بدیع‌الزمان فروزانفر و مرحوم کاظم عصار، مرحوم غفاری و ... از استادان آن بودند، نیز در بهارستان شکل گرفت. آن جا یک فاز بزرگ فرهنگی بود. هم‌اکنون نیز مرکز کاغذ تهران آن جاست. وراق‌ها هنوز در آن جا حضور دارند. نزدیک بهارستان خیابان فردوسی بود که خیلی از کافه‌هایی که نویسندگان مانند جلال آل احمد، بزرگ علوی، صادق هدایت و ... در آن جا جمع می‌شدند و مرکز بزرگ تبادل فکر و اندیشه محسوب می‌شد.

خیابان انقلاب که مرکز کتاب است، در سال ۱۳۱۵ که دانشگاه تهران در آن جا تأسیس شد، شکل گرفت و کتاب‌فروشی‌های مهمی در آن جا تشکیل شد و تا امروز یک راسته فرهنگی مانده است.

در بیروت یک راسته فرهنگی داریم که با آن عرض و طولی که دارد، نمی‌تواند مدعی راسته فرهنگی باشد.

دانشرای عالی و خیلی از مدارس نیز سپس در همان اطراف بهارستان شکل گرفتند. در کتاب آیت‌الله طالقانی یک بخش مهم از این کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای به مسجد هدایت الله طالقانی که محل حضور همه قشر انسان و تحولات فرهنگی بود، اشاره دارد.

هم‌اکنون کتاب‌فروشی‌های ما در خیابان انقلاب تبدیل به کباب‌فروشی، موبایل‌فروشی، پیتزافروشی و... می‌شوند. برای کسی که صاحب کتاب‌فروشی است، خرید سرفلی مغازه به مبلغی همچون ۸ تا ۱۰ میلیارد تومان با این وضعیت تیراژ کتاب وسوسه‌کننده است. انسان‌ها بالاخره وسوسه می‌شوند، مگر آن که یک بودجه دولتی فرهنگی داشته باشد.

این ظرفیت‌ها و توانایی‌ها که داشته‌ایم و اکنون نیز داریم، بسیار قابل اغتنام است. ایران می‌تواند از نظر فکری و فرهنگی در خاورمیانه واقعاً یک تنور فروزان باشد، هر چند هم‌اکنون نیز است اما انتظار بیشتری می‌توان از آن داشت.

در دنیا به ویژه در حوزه زبان پارسی کشورهایی که در حوزه خراسان بزرگ بوده‌اند، حاضرند بخشی از ظرفیت کتابخانه‌ها و تدوین کتاب‌های درسی شان را به ما می‌دهند، اگر قدر موقعیت خودمان را بدانیم.